



The First National Conference in Teaching English, Literature and Translation (NCTLT)

Kharazmi International Institute for Research & Education
August 2013, Shiraz- Iran



CULTURAL INTELLIGENCE AND ITS IMPLICATIONS IN FOREIGN LANGUAGES FIELD

Shahla Sharifi¹, Fahime Abbasian²

¹Associate Professor in Department of Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, sh-sharifi@um.ac.ir

²MA Student in Department of Linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, fa_ab416@um.ac.ir

Abstract. Cultural Intelligence (CQ) presents a new perspective in cross cultural interaction that has been more interested in business, management, negotiation, styles of decision making and etc. In order to succeed in learning a foreign language, it is vital to be familiar with culture of the target language. So CQ can be considered as a necessary instrument in different cultural environments. When it comes to the realm of educational achievements, there are a few research carried out to explore the role of CQ in learning/teaching a foreign (or a second) language. The purpose of this study is to explain about CQ, its four factor model (this model focuses on four factors of CQ: metacognitive, cognitive, motivational and behavioural) and CQ scale. Then, this paper presents a complete literature review related to CQ and foreign languages field. It also provides some implications for foreign language learning/teaching.

Keywords: Cultural Intelligence, Four Factor Model, Foreign Language.

۱- مقدمه

هوش فرهنگی پرداخته می‌شود.

۲- هوش فرهنگی

از هوش تعریف واحدی بدست نیامده است و صاحب نظران متفاوت آن را به گونه‌های مختلفی تعریف نموده‌اند. مفهوم سنتی تنها به بهره هوشی (IQ) محدود شده است که از طریق تست های استاندارد اندازه گیری می‌شود. این مفهوم هوش را در میزان آن اندازه گیری می‌کند به عبارت دیگر اینکه افراد چه میزان از آن بهره مند هستند که به نظر برای توصیف توانایی های انسان ناکافی است.

اسمیت (Smith) (۲۰۰۸)، معتقد است که آزمون های سنتی هوش از محتوای عموماً محدودی تشکیل شده‌اند و آزمون-دهندگان را وادار می‌سازد تا به سوالاتی با گرایش های ویژه آموزشی و فرهنگی پاسخ بدهند. در سالهای اخیر محققان مختلف جنبه های جدید هوش را معرفی کرده اند. مفهوم هوش فرهنگی (Earley) (۲۰۰۲)، ارلی و آنگ (Earley & Ang) (۲۰۰۳) برای نشان دادن توانایی اقدام

هدف از آموزش و یادگیری زبان دوم و خارجی باید به گونه ای باشد که زبان آموزان در محیط بیرون از کلاس و در دنیای واقعی توانایی استفاده از زبان دوم را داشته باشند. زبان و فرهنگ قسمتی از یکدیگر محسوب می‌شوند و جدا ناپذیرند (براون (Brown)، ۱۹۹۴). از این رو افراد مشغول به یادگیری یک زبان خارجی ناگزیر به یادگیری فرهنگ آن زبان نیز می-باشند. آگاهی فرهنگی (cultural awareness) به آگاه بودن نسبت به اعتقادات، انتظارات، رفتارها و دیدگاههای افراد متعلق به گروههای فرهنگی دیگر اشاره دارد (چنگ (Cheng)، ۲۰۰۷). شکل گیری دهکده جهانی که افزایش ارتباط میان جوامع زبانی مختلف را به همراه داشت، برای زبان آموزان این فرصت را بوجود می‌آورد که با افزایش آگاهی فرهنگی خود ارتباطی موفق را تجربه نمایند. هوش فرهنگی (cultural intelligence)، قابلیت یک فرد در راستای سازگاری موفقیت آمیز با محیطهای فرهنگی، نیز نیازمند آگاهی فرهنگی می‌باشد. در ادامه به توضیح بیشتر درباره



The First National Conference in Teaching English, Literature and Translation (NCTLT)

Kharazmi International Institute for Research & Education
August 2013, Shiraz- Iran



۲-۲- هوش فرهنگی شناختی

هوش فرهنگی شناختی بیانگر درک فرد از تشابهات و تفاوت-های فرهنگی است (لی، ۲۰۰۹) و دانش عمومی، ذهنی و شناختی فرد از فرهنگ‌های دیگر را نشان می‌دهد. چنین دانشی شامل اطلاعات درباره سیستم‌های قانونی و اقتصادی و رفتارهای تعامل اجتماعی باورهای مذهبی ارزش‌های زیباشناختی و زبان می‌باشد (آنگ و همکاران، ۲۰۰۷). عامل شناختی هوش فرهنگی یک مولفه اصلی هوش فرهنگی است زیرا شناخت فرهنگ بر تفکرات و رفتارهای افراد تاثیر می‌گذارد. درک فرهنگ یک جامعه و مولفه‌های آن به افراد اجازه می‌دهد، سیستم‌هایی را که باعث الگوی خاص تعامل اجتماعی در یک فرهنگ می‌شوند و آنرا شکل می‌دهند، بهتر ارج نهی (آنگ و ون داین، ۲۰۰۸).

۲-۳- هوش فرهنگی انگیزشی

هوش فرهنگی انگیزشی شامل علاقه افراد به یادگیری و عمل کردن در شرایط میان فرهنگی (آنگ و همکاران، ۲۰۰۴) و همچنین آزمون فرهنگ‌های دیگر و تعامل با افرادی از فرهنگ‌های مختلف است. هوش فرهنگی انگیزشی توانایی فردی را برای هدایت انرژی به سمت یادگیری در شرایط میان فرهنگی را نشان می‌دهد (آنگ و اینک پن، ۲۰۰۸). افراد دارای هوش فرهنگی انگیزشی بالا برای کسب تجارب فرهنگی تازه و نو اهمیت قائل می‌شوند و از تعامل با افراد دارای پیشینه‌های فرهنگی متفاوت لذت می‌برند (تای و تمپلر Tay & Templer, ۲۰۰۶). هوش فرهنگی انگیزشی شامل انگیزه درونی، میزانی که در آن فرد واقع شدن در شرایط متفاوت فرهنگی لذت می‌برد؛ انگیزه بیرونی، مزایای ملموس‌تری که فرد از تجارب متنوع فرهنگی بدست می‌آورد؛ و خودکارآمدی، اطمینان از اینکه فرد در یک تعامل میان فرهنگی کارآمد خواهد بود (ون داین و همکاران، ۲۰۰۸).

۲-۴- هوش فرهنگی رفتاری

هوش فرهنگی رفتاری شامل قابلیت فرد برای سازگاری با آن دسته از رفتارهای کلامی و غیر کلامی را در بر می‌گیرد که

اثر بخش با افرادی که از زمینه‌های فردی متفاوت هستند (لی Li, ۲۰۰۹) یا قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها (آنگ و همکاران، ۲۰۰۷) معرفی شده است. بنابراین هوش فرهنگی، نوعی از هوش است که می‌توان آنرا قابلیت برای درک، استدلال و رفتار در محیط‌های بین فرهنگی مختلف دانست (آنگ و همکاران ۲۰۰۷) و به عنوان یک شکل خاص از هوش تصور می‌شود که بر توانایی یک فرد برای درک و استدلال درست در شرایطی که مشخصه آن تنوع فرهنگی است، تاکید می‌کند (ارلی و آنگ ۲۰۰۳).

در سالهای اخیر مدل‌های متفاوتی از هوش فرهنگی ارائه شده است از جمله مدل چهار عاملی در سنجش هوش فرهنگی (ارلی و آنگ، ۲۰۰۴) که مطالب و دیدگاه‌های مختلفی را در هوش و روابط میان فرهنگی ترکیب کرده است. این مدل بر روی چهار عامل فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتاری از هوش فرهنگی تمرکز دارد.

۲-۱- هوش فرهنگی فراشناختی

هوش فرهنگی فراشناختی توانایی ذهنی برای کسب کردن و درک دانش فرهنگی را نشان می‌دهد (آنگ و اینک پن، Ang & Inkpen, ۲۰۰۸) و به عنوان آگاهی فرد در هنگام تعامل با افراد دارای زمینه‌های فرهنگی متفاوت تعریف می‌شود (وارد و فیشر Ward & Fischer, ۲۰۰۸). افراد با اتکا بر هوش فرهنگی فراشناختی در هنگام تعامل با افراد دیگر فرهنگ‌ها دانش فرهنگی خود را با آنها تطبیق می‌دهند. همچنین فرایندهای ذهنی را منعکس می‌کند که افراد برای کسب و درک دانش فرهنگی به کار می‌برند و شامل شناخت و کنترل فرایندهای فکری خود که مرتبط با فرهنگ است، می‌باشد (آنگ و ون داین، ۲۰۰۸). افراد با هوش فرهنگی فراشناخت بالا به طور آگاهانه از ترجیحات و رفتارهای فرهنگی جوامع متفاوت از قبل و در طی تعاملات مطلع هستند. همچنین این افراد مفروضات فرهنگی را مورد سوال قرار می‌دهند و مدل‌های ذهنی‌شان را ضمن و بعد از تجارب مرتبط تنظیم می‌کنند (برسلین و همکاران Brislin & et.al, ۲۰۰۶؛ تراندیس Triandis, ۲۰۰۶).



The First National Conference in Teaching English, Literature and Translation (NCTLT)

Kharazmi International Institute for Research & Education
August 2013, Shiraz- Iran



۲۰۰۷) دامنه نمرات پرسشنامه بین ۱ شدیداً مخالف و ۵ شدیداً موافق تغییر یافت. پرسشنامه شامل ۲۰ سوال می باشد: ۴ سوال مرتبط با هوش فراشناختی (سوالات ۱ تا ۴) برای مثال " هنگام ارتباط با افرادی از فرهنگ‌های متفاوت، آگاهانه از دانش فرهنگی خود بهره می برم."، ۶ سوال شناختی (سوالات ۵ تا ۱۰) مانند " نسبت به ارزش‌های فرهنگی و باورهای مذهبی فرهنگ‌های دیگر شناخت دارم."، ۵ سوال مربوط به هوش انگیزشی (سوالات ۱۱ تا ۱۵) " از تعامل با افرادی از فرهنگ‌های دیگر لذت می برم" و ۵ سوال مرتبط با هوش رفتاری (سوالات ۱۶ تا ۲۰) " در صورت ضرورت در گفتگو با افرادی از سایر فرهنگ‌ها، رفتار کلامی (برای مثال لهجه و تن صدا) خود را تغییر می دهم." این پرسشنامه بوسیله محققین مختلف مورد اجرا گردیده و روایی آن مورد تایید قرار گرفته است. بون داین و همکاران (۲۰۰۸) پایایی کلی پرسشنامه را متجاوز از ۰،۷۰ و عوامل هوش فرهنگی را به ترتیب فراشناختی ۰،۷۲، شناختی ۰،۸۶، انگیزشی ۰،۷۶ و رفتاری ۰،۸۳ گزارش کرده‌اند. این پرسشنامه ابزاری استاندارد برای سنجش هوش فرهنگی افراد می‌باشد.

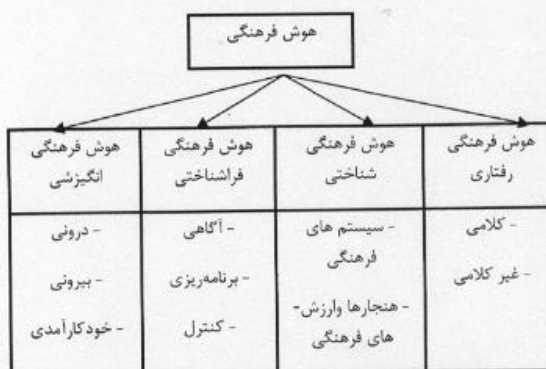
۴- پیشینه تحقیق

همانطور که پیشتر اشاره شد، هوش فرهنگی تاکنون بیشتر در حوزه های مدیریت، مذاکرات، بازرگانی، تجارت، نحوه تصمیم گیری... مورد توجه بوده و مطالعات انجام گرفته در ارتباط با مباحث آموزشی بویژه بر یادگیری زبان خارجی (زبان دوم) بسیار اندک می باشد. در ادامه سعی بر ارائه پیشینه تحقیقات مرتبط با هوش فرهنگی در مباحث آموزشی بر اساس دانش کنونی محققین شده است.

خدادی و قهاری (۲۰۱۲) به بررسی رابطه هوش فرهنگی و تأثیر آن در یک تست disclosed برگرفته از آزمون تافل پرداخته‌اند. شرکت کنندگان این آزمون ۱۴۵ دانشجوی لیسانس از ۳ دانشگاه ایران بودند. نتایج نشان دهنده این بود که هم هوش فرهنگی و هم ۴ فاکتور آن به طور معنادار اما منفی به تافل و ساختار تست مورد استفاده مرتبط هستند. هنگامی که افراد به ۳ گروه با مهارت پایین، متوسط و بالا بر

برای برخورد با فرهنگ‌های مختلف مناسب هستند. چنین رفتارهایی شامل به کار بردن کلمات مناسب در موقعیت‌های مناسب و بکارگیری لحن مناسب مثل صدا، زبان احوال پرسی و حرکات اجتماعی می‌باشد (آنگ و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین این نوع هوش نشانه انعطاف پذیری فردی در ابراز اقدامات مناسب در افراد دارای زمینه‌های فرهنگی متفاوت می‌باشد (وارد و فیشر، ۲۰۰۸). هوش فرهنگی رفتاری مولفه حیاتی هوش فرهنگی است زیرا رفتار قابل رویت‌ترین ویژگی در تعاملات اجتماعی است.

جدول ۱: مدل چهار عاملی هوش فرهنگی



به طور خلاصه درک کنونی از هوش فرهنگی این است که سازه ای چند وجهی و متشکل از جنبه‌های فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتاری مرتبط با تعاملات میان فرهنگی است.

۳- ابزار سنجش هوش فرهنگی

پرسشنامه هوش فرهنگی، ابتدا توسط ارلی و آنگ (۲۰۰۳) ارائه شد. این پرسشنامه هوش فرهنگی افراد را بر حسب چهار ویژگی آن شناختی، فراشناختی، انگیزشی و رفتاری می‌سنجد. سوالات بر اساس طیف لیکرت به صورت پنج گزینه ای طرح ریزی شده است و دامنه نمرات پرسشنامه بین ۱ واقعا مخالف و ۷ شدیداً موافق است. در پرسشنامه بعدی (ارلی و آنگ،



The First National Conference in Teaching English, Literature and Translation (NCTLT)

Kharazmi International Institute for Research & Education
August 2013, Shiraz- Iran



ایرانی در شهر مشهد پرداخته است. همچنین به بررسی اینکه از میان دو عامل بهره هوشی و هوش فرهنگی کدامیک می-تواند در این تحقیق تأثیر گذارتر باشد پرداخته شده است. تست بهره هوشی ریون و پرسشنامه هوش فرهنگی ارلی و آنگ به آنها داده شد و برای تعیین توانایی نوشتار آنان، از انشایی استاندارد از مجموعه سوالات تافل استفاده گردید. در این تحقیق اینگونه نتیجه گرفته شد که بهره هوشی نمی-تواند توانایی نوشتار را در زبان آموزان به خوبی پیش بینی کند و این مطلب سازگار با برخی یافته‌های پیشین در زمینه یادگیری زبان است. همچنین مجموع هوش فرهنگی در کل نتوانست توانایی نوشتار را پیش بینی کند. علی-رقم این، دو بخش از هوش فرهنگی (شناختی و انگیزشی) به خوبی توانستند توانایی نوشتار را پیش بینی کنند. این نتایج به تمرکز بیشتر بر آموزش فرهنگ و یادگیری زبان تاکید دارد. لازم به ذکر است که در نتایج بدست آمده از قنسولی و گلپور (۱۳۹۱) نیز هوش شناختی بهتر قابلیت پیش بینی مهارت نوشتار زبان آموزان را نشان داد.

پتروویک (Petrovic)، (۲۰۱۱) به بررسی اینکه چگونه معلمان هوش فرهنگی خودشان را درک می-کنند، پرداخته است. برای این منظور ۱۰۷ معلم دبستان از ۴ شهری سبیری انتخاب شدند. نتایج حاکی از آن بود معلمانی که سطح بالاتری از هوش فرهنگی را دارند از ارتباطات بین فرهنگی، تدریس در کلاسهای چند ملیتی، آموزش فرهنگ و ارتباط با افراد از ملیتهای دیگر بیشتر لذت می-برند.

رامیس و کرسستینا (Ramis & Kristina)، (۲۰۱۰)، در مقاله خود به نقش هوش فرهنگی در مدارس می-پردازند. آنها در ابتدا به تعریف مفهوم سنتی هوش می-پردازند و بیان می-دارند که مفهوم سنتی، بهره هوشی (IQ)، از طریق تست های استاندارد اندازه گیری می شود که برای سنجش قابلیت های فردی کافی نیست. در این تحقیق، هوش فرهنگی به عنوان مفهوم وسیع هوش در نظر گرفته که شامل انواع دانش برای مثال، فهم کد فرهنگی یک گروه نژادی یا دانشی از زندگی روزمره آنها می-باشد. با استفاده از دو مطالعه موردی، آموزش محور در اسپانیا، این تحقیق نشان داد که تا چه حد ضروری و

اساس نمره تافل آنها تقسیم بندی شدند، تنها نمرات گروه متوسط همبستگی منفی با هوش فرهنگی و دو فاکتور شناختی و رفتاری آن داشت و نشان دهنده این بود که در این گروه با بالا بردن میزان هوش فرهنگی می توان مهارت زبانی پایین و در حال پیشرفت آنان را در ارتباط با زبان انگلیسی بهبود بخشند.

در مطالعه دیگر، خدادی و قهاری (۲۰۱۱)، به بررسی هوش فرهنگی و ارتباط آن با جنسیت، تحصیلات، مسافرت به خارج و مکان زندگی در ۸۵۴ دانشجوی لیسانس و بالاتر مشغول به تحصیل در رشته های مختلف از ۵ دانشگاه ایران پرداختند. نتایج نشان داد که هنگامی که دانشجویانی که از شهرهای بزرگتر آمده بودند در مجموع نمرات بالاتری از هوش فرهنگی و چهار فاکتور آن بدست می-آوردند. دانشجویان زن از دانشجویان مرد هوش فرهنگی فراشناختی بالاتری داشته اند. شرکت کنندگان بالاتر از لیسانس از هوش فرهنگی رفتاری و شناختی بالاتری نسبت به دانشجویان لیسانس برخوردار بودند و حتی اگر سابقه مسافرت خارجی را نداشتند باز هم در مجموع از هوش فرهنگی بالاتری نسبت به دانشجویان لیسانس برخوردار بوده اند.

قنسولی و گلپور (۲۰۱۲) در تحقیق خود به بررسی میزان هوش فرهنگی (بر اساس ۴ ویژگی آن) در میان ۸۳ نفر زبان آموزان انگلیسی، شامل مرد و زن، و رابطه آن با مهارت صحبت و نحوه نگارش در آزمون آیلتس پرداخته اند. آنها از بررسی خود این چنین نتیجه گرفته اند که زبان آموزان مذکور از سطح متوسط هوش فرهنگی برخوردار بوده اند و همچنین در میان فاکتورهای هوش فرهنگی، هوش انگیزشی بهتر قابلیت پیش بینی مهارت صحبت کردن را دارد و هوش شناختی بیشتر قابلیت پیش بینی مهارت نوشتن را دارا است. در رابطه با جنسیت و هوش فرهنگی تفاوت معناداری بین زنان و مردان دیده نشده است. در پایان پیشنهادات آموزشی داده شده است.

پیوندی (۱۳۹۰) در پایان نامه خود به رابطه میان هوش فرهنگی و اجزا آن با بهره هوشی و توانایی نوشتن زبان آموزان



The First National Conference in Teaching English, Literature and Translation (NCTLT)

Kharazmi International Institute for Research & Education
August 2013, Shiraz- Iran



شرکت کننده متقاضی آموزش مدیریت را شامل می‌شد، گسترش یافت. سپس تحلیلی از جزئیات فرآیند، اثبات نظریه، ابزار آموزشی مرتبط، ارزیابی شرکت کننده‌ها و گسترش هوش فرهنگی شرکت کننده‌ها ارائه می‌دهد و در پایان پیشنهاداتی برای تحقیقات آینده ارائه می‌گردد.

همانگونه که مشاهده شده پیشینه مطالعات انجام شده در حوزه آموزش زبان های خارجی چه در داخل ایران و چه در خارج از ایران اندک می‌باشد، که این خود مجالی را برای محققین فراهم می‌آورد تا با انجام مطالعات بیشتر، اهمیت توجه به هوش فرهنگی را در حوزه زبان‌های خارجی بیش از پیش نشان دهند.

۵- قابلیت آموزش هوش فرهنگی

نمره هوش فرهنگی فرد ثابت نیست. هوش فرهنگی می‌تواند به طور مداوم از طریق آموزش، تعامل و تجربه افزایش یابد. سوال اجتناب ناپذیری که همواره مطرح می‌گردد این است که آیا هوش فرهنگی یک مسئله ذاتی است یا اکتسابی؟ آیا ژنتیک افراد بر باهوش تر بودن از نظر فرهنگی موثر است؟ جواب به احتمال زیاد مثبت است همانطور که بعضی از ما به طور طبیعی گرایش بیشتری به این داریم که موسیقی دان، مهندس یا نقاش بهتری بشویم، برخی از ما نیز ممکن است به رفتارهای میان فرهنگی قابل انعطاف پذیری گرایش داشته باشیم. برای مثال محققان دریافتند که برون گرا بودن با بعضی از ابعاد هوش فرهنگی همبستگی دارد هم چنین یک ارتباط مثبت بین وظیفه شناس بودن و داشتن هوش فرهنگی بالاتر وجود دارد که نشان دهنده وجود همبستگی‌های جالب توجهی بین شخصیت‌ها و هوش فرهنگی می‌باشد. به هر حال تأکید هوش فرهنگی این است که از طریق یادگیری و مداخلات هر کس می‌تواند از لحاظ فرهنگی باهوش‌تر شود (لیورمور (Livermore)، ۲۰۱۰). همچنین راههای بسیاری برای تحقق این هدف وجود دارد که آموزش و تعلیم رسمی و یادگیری تجربی برای افزایش هوش فرهنگی کلیدی هستند (لی، ۲۰۰۹). در زمینه زبان‌های خارجی نیز باید ذکر شود که اگرچه هوش فرهنگی حوزه‌ای نوین در بحث آموزش و

لازم است که دانش فرهنگی تمامی دانش آموزان به منظور ارتباط میان یادگیری در کلاس درس با زندگی بیرون از مدرسه شناسایی شود که ابزار و بافتی را برای شناخت بیشتر در مدارس فراهم می‌آورد.

لارنس (Lawrence) (۲۰۱۱)، در پایاننامه خود به تأثیرات هوش فرهنگی، ارتباط بین فرهنگی و خود ارزیابی بر پذیرش بین فرهنگی در دانشجویان بین المللی در تایوان پرداخته است. شرکت کنندگان در این پژوهش شامل ۳۸۴ دانشجوی متشکل از ۴۹ درصد مرد و ۵۱ درصد زن می‌شدند. به طور متوسط دانشجویان خارجی ۲۱ ماه را در تایوان گذرانده بودند. داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع آوری شدند. نتایج نشان داد که هیچ آمار معناداری در ارتباط با جنسیت و هوش فرهنگی، ارتباط بین فرهنگی، خود ارزیابی و پذیرش بین فرهنگی در دانشجویان وجود نداشته است. همچنین، هوش فرهنگی به طور مثبت با ارتباط بین فرهنگی، خود ارزیابی و پذیرش بین فرهنگی مرتبط بوده که حاکی از آن است که هوش فرهنگی حوزه ای جدید برای دقت بیشتر به ارتباطات دانشجویان خارجی می‌باشد.

فیسچر (۲۰۱۱) به بررسی تداخل آموزش بین فرهنگی به عنوان یک واحد دانشگاهی می‌پردازد. آزمون مداخله شامل ۶ جلسه سخنرانی در طی ۴ هفته می‌شد. اندازه گیری هوش فرهنگی و باورهای فرهنگی لازم و ضروری در هفته اول و یک هفته پس از تکمیل جلسات انجام گرفت. در کل ۱۰۷ دانشجو در این تحقیق شرکت کردند و نمرات پیش آزمون برای ۴۹ نفر در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد که باورهای فرهنگی لازم و ضروری افزایش یافته اما نمرات هوش فرهنگی شناختی و فراشناختی کاهش یافته است.

مک ناب (McNab) (۲۰۱۲)، در تحقیق خود به مفهوم هوش فرهنگی و ارتباط آن با حوزه مدیریت می‌پردازد. سپس یک فرآیند و چارچوب نظری را در راستای آموزش هوش فرهنگی ارائه می‌دهد. فرآیند، به منظور افزایش ظرفیت هوش فرهنگی توسط بکارگیری یک تجربه جدید در تماس فرهنگی طراحی شده است. ابتدا از طریق دو گروه که در کل ۷۴۳



The First National Conference in Teaching English, Literature and Translation (NCTLT)

Kharazmi International Institute for Research & Education
August 2013, Shiraz- Iran



- Chandrasekar, N.A. (2007). Cultural intelligence: Its measurement and effects on cultural judgment and decision making, cultural adaptation, and task performance. *Management and Organization Review*, 3(3), 335-371.
- [4] Ang, S, Van Dyne, L., Kok, C., & Yee Ng, K. (2004). The measurement of cultural intelligence. (part of symposium Cultural Intelligence at Work in the 21st Century), Academy of Management Meeting, United States
- [5] Brislin, R., Worthley, R., & McNab, B. (2006). Cultural intelligence: Understanding behaviors that serve people's goals. *Group & Organization Management*, 31(1), 40-55.
- [6] Brown, H. D. (1994). *Principles of language learning and teaching*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice Hall Regents.
- [7] Cheng, L. L. (2007). Cultural intelligence (CQ): A quest for cultural competence. *Communication Disorder Quarterly*, 29(1), 36-42. J. G. Proakis and D. G. Manolakis, *Digital Signal Processing Principles, Algorithms and Applications*, New York Macmillan, 1992.
- [8] Earley, P. C., (2002). Redefining interaction across cultures and organizations: moving forward with cultural intelligence. *Research in organization behavior*, 24: 271-299.
- [9] Earley, P. C., & Ang, S. (2003). *Cultural intelligence: Individual interactions across cultures*. Palo Alto, CA: Stanford University Press.
- [10] Earley, P. C., Ang, S., & Tan, J. (2006). *CQ: Developing cultural intelligence at work*. Palo Alto, CA: Stanford University Press.
- Business Review*, 82(10): 139-146.
- [11] Earley, P. C., & Peterson, R. S. (2004). The elusive cultural chameleon: Cultural intelligence as a new approach to

یادگیری زبان‌های خارجی (زبان دوم) به حساب می‌آید اما مدرسان و دست‌اندرکاران آموزش زبان‌های خارجی می‌توانند با سنجش و آموزش هوش فرهنگی زبان آموزان، آنان را به کسب موفقیت‌های ارتباطی بیشتر در تعامل و سازگاری با افراد زبان مقصد هدایت کنند. ارتباطات بین فرهنگی نیز در زبان آموزان با شناخت بیشتر هنجارهای فرهنگی زبان مقصد کارآمدتر خواهد بود. همچنین می‌توان با گنجاندن مطالب درسی مرتبط با ویژگی‌های هوش فرهنگی رفتاری در برنامه آموزشی زبان آموزان مانند توجه به ویژگی‌های زبانی سکوت و مکث، سرعت صحبت، تن صدا و لهجه افراد زبان مقصد، زبان آموزان را به مجموعه وسیعی از رفتارهای کلامی و غیر کلامی شناخت داد تا بتوانند اثر بخشی ارتباطات خود را افزایش دهند، با دیگران به راحتی ارتباط برقرار کنند و در یک بافت متنوع فرهنگی به راحتی زندگی کنند (لی، ۲۰۰۹) و نیز با آشنا ساختن زبان آموزان با ویژگی‌های شناختی هوش فرهنگی شامل سیستم‌های فرهنگی و مذهبی، سیستم‌های آموزشی و اجتماعی زبان مقصد بتوان در بالا بردن انگیزه و دانش فرهنگی زبان آموزان و در ارتباطات بین فرهنگی آنان نقش ایفا کرد. امید است که در حوزه زبان‌های خارجی این مطالعه بتواند توجه زبان آموزان و مدرسان، را به خود جلب کرده و از آن در مباحث آموزشی بهره گیرند.

مراجع

- [1] Ang, S., & Inkpen, A. C. (2008). Cultural intelligence and offshore outsourcing success: A framework of firm-level intercultural capability. *Decision Sciences*, 39, 337-358.
- [2] Ang, S., & Van Dyne, L., (2008). Conceptualization of cultural intelligence: Definition, distinctiveness, and nomological network. In Ang, S., & Van Dyne, L. (Eds.), *Handbook on cultural intelligence: Theory, measurement and applications*. 3-15. New York: M. E. Sharpe.
- [3] Ang, S., Van Dyne, L., Koh, C., Ng, K. Y., Templer, K.J., Tay, C. &



The First National Conference in Teaching English, Literature and Translation (NCTLT)

Kharazmi International Institute for Research & Education
August 2013. Shiraz- Iran



- [18] Livermore D. (2009). *Leading with Cultural Intelligence: The New Secret to Success*. New York: AMACOM.
- [19] McNab, B. (2012). An Experiential Approach to Cultural Intelligence Education. *International Journal of Management Education*, 36(1), 66-94.
- [20] McNab, B. R., & Worthley, R. (2011). Individual characteristics as predictors of cultural intelligence development: The relevance of self-efficacy. *International Journal of Intercultural Relations*, 30, 1-10.
- [21] Petrovic, D. S. (2011) How do teachers perceive their cultural intelligence? *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 11, 276-280.
- [22] Ramis, M & Kristina, L. (2010). Cultural Intelligence in the school. *Revista de Psicodidáctica (Journal of Psychology)*, 15(2), 239-252.
- [23] Smith, M.K., (2008). Howard Gardner and multiple intelligences. the encyclopedia of informal education. Available at: <http://www.infed.org/thinkers/gardner.htm>
- [24] Tay, C. & Templer, K. (2006). Motivational cultural intelligence and the global economy: leadership in action. 31 (5), 19-21.
- [25] Thomas, D. C. (2006). Domain and development of cultural intelligence: The importance of mindfulness. *Group and Organization Management*, 31, 78-99.
- [26] Triandis, H.C. (2006). Cultural Intelligence in Organizations. *Group and Organization Management*, 31, 20-26.
- [27] Van Dyne, L., & Ang, S. (2006). A self-assessment of your CQ. In P.C. Earley, S. Ang, & J-S Tan (Eds.), *CQ: Developing cultural intelligence at work* (pp. 217-227). Stanford, CA: Stanford University Press.
- intercultural training for the global manager. *Academy of Management Learning and Education*, 3, 100-115.
- [12] Fischer, R. (2011). Cross-cultural training effects on cultural essentialism beliefs and cultural intelligence. *International Journal of Intercultural Relations*, 35, 767-775.
- [13] Ghonsooly, B., & Golparvar, Ehsan. (2012). Examining the Predictive Power of Cultural Intelligence on Iranian EFL Learners' Performance on IELTS Speaking and Writing Modules. *The First Conference on Language Learning & Teaching: An Interdisciplinary Approach* (Ferdowsi university of Mashhad).
- [14] Khodadady, E., & Ghahari, S. (2011). Validation of the Persian Cultural Intelligence Scale and exploring its relationship with gender, education, travelling abroad, and place of living. *Global Journal of Human Social Science*, 11(7), 64-75.
- [15] Khodadady, E., & Ghahari, S. (2011). Exploring the Relationship between Foreign Language proficiency and cultural intelligence. *The International Journal of Language Learning and Applied Linguistics world*, 1(1), 22-31.
- [16] Lawrence, N. (2011). The Effects of Cultural Intelligence, Self Efficacy and Cross Cultural Communication on Cross Cultural Adaptation of International Students in Taiwan. Master's Thesis. National Taiwan Normal University. Available at http://ir.lib.ntnu.edu.tw/retrieve/49356/metadata_07_12_s_05_0014.pdf.
- [17] Li, M. (2009). An examination of the role of experiential learning in the development of cultural intelligence in global leaders. *Advances in Global Leadership*, 5, 251-271.



The First National Conference in Teaching English, Literature and Translation (NCTLT)

Kharazmi International Institute for Research & Education
August 2013, Shiraz- Iran



- [18] Livermore D. (2009). Leading with Cultural Intelligence: The New Secret to Success. New York: AMACOM.
- [19] McNab, B. (2012). An Experiential Approach to Cultural Intelligence Education. *International Journal of Management Education*, 36(1), 66-94.
- [20] McNab, B. R., & Worthley, R. (2011). Individual characteristics as predictors of cultural intelligence development: The relevance of self-efficacy. *International Journal of Intercultural Relations*, 30, 1-10.
- [21] Petrovic, D. S. (2011) How do teachers perceive their cultural intelligence? *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 11, 276-280.
- [22] Ramis, M. & Kristina, L. (2010). Cultural Intelligence in the school. *Revista de Psicodidáctica (Journal of Psychology)*, 15(2), 239-252.
- [23] Smith, M.K., (2008). Howard Gardner and multiple intelligences. the encyclopedia of informal education. Available at: <http://www.infed.org/thinkers/gardner.htm>
- [24] Tay, C. & Templer, K. (2006). Motivational cultural intelligence and the global economy: leadership in action. 31(5), 19-21.
- [25] Thomas, D. C. (2006). Domain and development of cultural intelligence: The importance of mindfulness. *Group and Organization Management*, 31, 78-99.
- [26] Triandis, H.C. (2006). Cultural Intelligence in Organizations. *Group and Organization Management*, 31, 20-26.
- [27] Van Dyne, L., & Ang, S. (2006). A self-assessment of your CQ. In P.C. Earley, S. Ang, & J-S Tan (Eds.), *CQ: Developing cultural intelligence at work* (pp. 217-227). Stanford, CA: Stanford University Press.
- intercultural training for the global manager. *Academy of Management Learning and Education*, 3, 100-115.
- [12] Fischer, R. (2011). Cross-cultural training effects on cultural essentialism beliefs and cultural intelligence. *International Journal of Intercultural Relations*, 35, 767-775.
- [13] Ghonsooly, B., & Golparvar, Ehsan. (2012). Examining the Predictive Power of Cultural Intelligence on Iranian EFL Learners' Performance on IELTS Speaking and Writing Modules. *The First Conference on Language Learning & Teaching: An Interdisciplinary Approach* (Ferdowsi university of Mashhad).
- [14] Khodadady, E., & Ghahari, S. (2011). Validation of the Persian Cultural Intelligence Scale and exploring its relationship with gender, education, travelling abroad, and place of living. *Global Journal of Human Social Science*, 11(7), 64-75.
- [15] Khodadady, E., & Ghahari, S. (2011). Exploring the Relationship between Foreign Language proficiency and cultural intelligence. *The International Journal of Language Learning and Applied Linguistics world*, 1(1), 22-31.
- [16] Lawrence, N. (2011). The Effects of Cultural Intelligence, Self Efficacy and Cross Cultural Communication on Cross Cultural Adaptation of International Students in Taiwan. Master's Thesis. National Taiwan Normal University. Available at http://ir.lib.ntnu.edu.tw/retrieve/49356/metadata_07_12_s_05_0014.pdf.
- [17] Li, M. (2009). An examination of the role of experiential learning in the development of cultural intelligence in global leaders. *Advances in Global Leadership*, 5, 251-271.



**The First National Conference in Teaching English,
Literature and Translation (NCTLT)**

Kharazmi International Institute for Research & Education
August 2013. Shiraz- Iran



- [28] Van Dyne, L., Ang, S., & Koh, C. (2008). Development and validation of the CQS: The cultural intelligence scale. In S. Ang, & L. Van Dyne, (Eds.), *Handbook on cultural intelligence: Theory, measurement and applications* (pp. 16-38). Armonk, NY: M.E. Sharpe.
- [29] Van Dyne, L., Ang, S., & Koh, C.K.S. (2009). Cultural intelligence: Measurement and scale development. In M.A. Moodian (Ed.), *Contemporary leadership and intercultural competence: Exploring the cross-cultural dynamics within organizations* (pp. 233-254). Thousand Oaks, CA: Sage.
- [30] Van Dyne, L., Ang, S., & Livermore, D. (2010). Cultural intelligence: A pathway for leading in a rapidly globalizing world. In K. M. Hannum. B. McFeeters, & L. Booyesen (Eds.), *Leading across differences: Cases and perspectives* (pp.131-138). San Francisco, CQ: Pfeiffer. Cultural intelligence. In S. Clegg & J. Bailey, (Eds.), *International encyclopedia of organization studies* (pp. 345-350). Thousand Oaks, CA: Sage.
- [31] Ward, C., & Fischer, R. (2008). Personality, cultural intelligence and cross-cultural adaptation: A test of the mediation hypothesis. In *Handbook of cultural intelligence: Theory, measurement, and applications*, (pp. 159-1730. (Soon Ang & Linn van Dyne, Eds.). Armonk, NY: M.E. Sharpe.

[۳۲] علی پیوندی، "بررسی عملکرد بهره
هوشی و هوش فرهنگی در توانش نوشتار زبان
آموزان ایرانی زبان انگلیسی"، پایاننامه کارشناسی
ارشد، دانشگاه فردوسی (۱۳۹۰).